



داکتر سید موسی صمیمی

Political Economy

Promoting dialogue and discourse

Dr. Said Musa Samimy

Samimy@t-online.de**Email:**

گروه "دولت اسلامی" در تبیین و تبانی با "القا عده"

- واکنش های نا همگون و پی آمد های نا هنجار -

بخش دوم:

3. نشیب و فراز سازمانی و ساختار سیاسی دولت اسلامی

3.1. المصعب الزرقاوی - به چالش کشاندن رهبری القاعده -

اعلامیه "دولت اسلامی" که به تاریخ 29 جون سال 2014 پخش گردید، بیانگر آن است که ابوبکر البغدادی به مثابه خلیفه با آرزوهای گسترده و خواست های بیشتر از انتظار حلقه های جهادی وارد کارزار شده است. در این اعلامیه، بر تصمیم "شورای حل و عقد"، متشکل از "شخصیت های بزرگ، رهبران و اعضای شورای نظامی و سیاسی"، مبنی بر اعلام "خلافت اسلامی" صحنه گذاشته می شود. پس از آن تذکر می رود، که شورای حل و عقد برای "امت اسلام" خلیفه تعیین و به او بیعت کرده است. در اخیر از مسلمانان جهان هم دعوت می کند، که به خلیفه "ابراهیم البغدادی" بیعت نمایند. در این اعلامیه البغدادی، "خلیفه تازه دم" با این صفات آراسته می گردد: "شیخ، مجاهد، عالم، واعظ، عابد، قاید، مبارز، از تبار پیغمبر و عبد الله". در اخیر اسم خلیفه با این تفصیل درج می گردد: "ابراهیم عواد ابراهیم البدری القریشی السامرائی".

اعلامیه تنها به دعوت از مسلمانان بسنده نکرده، بلکه اضافه می کند: "بر همه مسلمانان لازم است که به خلیفه ابراهیم بیعت کنند و از او پشتیبانی نمایند. با رسیدن سپاهیان خلافت و گسترش قیادت خلافت به مرز های آنها، مشروعیت تمام امیرها، گروه ها، دولت ها و سازمان ها منتفی می گردد." به ادامه آن در اعلامیه "عمر شیشانی" به مثابه قوماندان و "ابومحمد العدنانی" به مثابه سخنگوی گروه دولت اسلامی معرفی می گردند.

پس از آن خود ابوبکر با تمسک به آیات قرآن می گوید که "ای مسلمانان، خدا ما را خلق کرده است که تنها به او ایمان آوریم، عبادت کنیم و دین او را پیاده نماییم". ابوبکر می افزاید: "الله به ما امر می کند تا با دشمنان او مبارزه کنیم و به خاطر او جهاد کنیم تا به تاسیس دین او پیروز گردیم".

خلیفه ابراهیم در ین خطبه از یکطرف تمام مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و همزمانش را "برادران مجاهد" یاد می کند؛ برادرانی که پس از مشقت های زیاد و با پیروی از قرآن گویا به ایجاد خلافت و تعیین امام دست اندر کار شده اند. اینکه او در خطبه اش به هیچ مرز جغرافیایی و یا محدودیت ارضی خلافت و جهاد اشارت نمی کند، خود فرآورده گذشته های سرنوشت سیاسی اوست که با سازمانش سخت گره خورده است. چنانکه سازمان جهادی او از "جماعت توحید"، پس از سپری شدن زمان طولانی و طی کردن فراز و نشیب های سیاسی و نظامی در اخیر به "دولت اسلامی" مسمما گردیده است. خلیفه ابراهیم در خطبه خویش تلاش می کند تا به تمام نکات مهم در مورد توجیه دینی خلافت و پیش شرط های آن - به تعبیر سلفی ها - پاسخ قانع کننده ارایه کند.

البغدادی به مثابه "فقیه" و در وابستگی به قبیله قریش (قبیله پیامبر اسلام) گویا نظر به مشخصات بانیان آیین سلفیه (الموردی و ابن تیمیه) دو پیش شرط اساسی خلافت را بر آورده می سازد. به اضافه آن، تدابیر سیاسی-نظامی او به مثابه "رهبر جهاد" گویا بیانگر "عقل سلیم" او می باشد. در اخیر نظر به این که البغدادی از طریق "برادران مجاهد" توسط "شورای حل و عقد" به خلافت رسیده است، پس او همه چهار شرط خلافت را بر آورده می سازد. به این ترتیب خلیفه البغدادی همه امرا، رییس های جمهور، شیخ ها و بقیه کرسی نشینان طراز اول کشور های اسلامی را به

فرمان برداری از خلافتش دعوت کرده و در نتیجه همه را با چالش "توجیه دینی" حاکمیت مواجه می سازد.

ابوبکر البغدادی - متولد در سال 1971 در شهر "سامره" عراق است. او در آغاز حملات ایالات متحده آمریکا بر آن کشور (در سال 2003) یکی از ملایان مسجد "امام احمد بن حنبل" در این شهر بود. البغدادی، که در نظام اقتدار گرای صدام حسین نیز به مثابه یک مجاهد فعال بوده است، پس از اشغال نظامی آن کشور توسط ایالات متحده آمریکا، چهار سال در اردوگاه "بوکا" در جنوب عراق تحت اسارت نیروهای آمریکایی بسر برده است. وی در همین زندان، که تعدادی دیگر از رهبران جهادی شبکه القاعده در عراق نیز زندانی بودند، به تندروی بیشتر روی آورد.

گروه جهادی ها، از جمله الزرقاوی و البغدادی نخست بنیاد سازمان "جماعت توحید و جهاد" را گذاشتند، که به زودی در سال 2003 منجر به ایجاد سازمان "جیش اهل السنه و الجماعه" گردید. البغدادی در این گروه آمر بخش "کمیتة شریعت" بود. جنبش اهل "السنه و الجماعه" در اوایل سال 2006 به "مجلس شورای مجاهدین" پیوست. این سازمان شبکه محلی القاعده در عراق بود. بالاخره این "مجلس شورای مجاهدین" نام خود را به "دولت اسلامی عراق" تبدیل کرد. "دولت اسلامی عراق" به نوبت خویش و پس از گسترش دامنه جهاد در سوریه به "دولت اسلامی عراق و شام" - داعش - تغییر نام داد.

سیر انکشاف تاریخی "دولت اسلامی"

دولت اسلامی عراق و شام "داعش"

در اخیر نظر به ادعای خلافت در همه سرزمین های اسلام، که البغدادی آنرا سرزمین اسلام می خواند؛ اسم "داعش" به "دولت اسلامی" مبدل گردید. البغدادی که به عضویت شورای عالی این سازمان تعیین گردید، باز هم مسئول کمیته شریعت بود.

المصعب الزرقاوی، که اصلاً اهل اردن بود، تا زمان مرگش در سال 2006 رهبری یکی از خشن ترین گروه های جهادی در عراق را بر دوش داشت. وی به مثابه یک معرکه دار بر جسته و در رابطه ی تنگاتنگ با القاعده شیوه های جدید مبارزه چریکی، از قبیل بمبگذاری در جاده ها، جا سازی مواد منفجره در وسایل حمل و نقل و حملات انتحاری را انکشاف بیشتر داده، و از این طریق در کارزار جهادی در عراق تلفات سنگینی بر نیرو های درگیر در مبارزه وارد کرد. گفتنی است که گروه هراس افکن طالب با کمک مستقیم دستگاه استخبارات پاکستان (ISI) پس از سال 2006 با بکاربردن شیوه های انتحاری ناشی از تجارب عراق، در سرزمین هندو کش آغاز کرد.

ابوبکر البغدادی پس از مرگ ابو عمر البغدادی، رهبر "دولت اسلامی عراق" در اپریل سال 2010، رهبری دولت اسلامی عراق را بر دوش گرفت. ابوبکر البغدادی به مثابه یک پیکار جوی پرمدها به الظواهری بیعت نکرد. او حتی از دعوت رهبر القاعده مبنی بر عدم جهاد علیه جبهه نصرت در سوریه، سرپیچی کرد. برخلاف، او حتی زمینه فعالیت های جهادی را بر جبهه نصرت در سوریه تنگ و تنگتر ساخت. ترکی البن علی، نویسنده بحرینی که زندگی نامه بغدادی را نوشته است، بغدادی را از قبیل "بو بدری" معرفی می نماید، که عمدتاً در سامره و دیاله، در شمال شرق بغداد مسکن گزین هستند. به این ترتیب نویسنده ادعا می کند که بغدادی از نسل حضرت محمد، پیامبر اسلام است. باز هم بر اساس نوشته ترکی البن علی، بغدادی از دانشگاه اسلامی بغداد در "علوم اسلامی" دکترا گرفته است. این دو صفت یعنی رابطه ی تباری با پیامبر و تحصیلات عالی در علوم اسلامی، منجر به آن گردید، که بغدادی خود را نظر به رهبران القاعده، اسامه بن لادن و ایمن الظواهری در نقش رهبری جهاد و احراز کرسی "خلافت" برتر بداند. در نتیجه گویا بن لادن و الظواهری، یکی مهندس و دیگری پزشک و با فقدان رابطه تباری با پیامبر اسلام نمی توانند در مسأله احراز کرسی "خلافت" با بغدادی همسری نمایند. (14)

در سال 2011، واشنگتن بغدادی را رسماً "دهشت افکن" خواند و برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری وی شود، ده میلیون دالر امریکایی جایزه تعیین کرد. (15) حدس زده می شود که البغدادی در شهر "رقه"، پایتخت خود خوانده "دولت اسلامی" در سوریه مستقر باشد.

3.2. ساختار و ترکیب سازمانی دولت اسلامی

بازیگران "دولت اسلامی"، با وجود همسویی در سیاست و هماهنگی در استراتژی نظامی، به هیچ نوع تنها متشکل از یک گروه متصلب عقیدتی استوار بر تعبیر جهادی وهابیت-سلفی نمی باشد. البته هسته اصلی آنرا رهبران جهادی می سازند که در دامان جنبش هراس افکن القاعده بزرگ گردیده اند و در تجارب پرخاشگری در عراق آبدیده شده اند. از این نگاه دولت اسلامی را می توان یگ گروه "جهاد محور" خواند که در حاشیه آن حلقه های سیاسی مختلف غیر مذهبی به مثابه همزمان مقطعی صف بسته اند. دولت اسلامی دست کم از پنج دسته ی نامتجانس تشکیل گردیده است:

- (1) رکن اساسی عقیدتی "دولت اسلامی": شبه نظامیان سنتی است که در دوران مقاومت علیه اشغال نظامی عراق "آبدیده" گردیده اند و تحت رهبری البغدادی، جهادی های "اصیل الهویت" خوانده می شوند.

(2) **حامیان نظامی گروه "دولت اسلامی":** بقایای نظامی حکومت صدام حسین که به مقاومت علیه حملات امریکایی ها پرداختند، در اخیر قسماً به "دولت اسلامی" پیوستند. مطابق به توصیه واشنگتن، حکومت عراق ارتش نیرومند آن کشور را منحل کرد، صاحب منصبان آنرا اکثراً زندانی ساخته و یا خانه نشین کرد. بخشی از همین افسران در مقاومت ضد امریکایی نقشی به سزایی بازی کردند. درین جا می توان از جنرال های سابق ارتش صدام حسین مانند ندا جبوری (معروف به راعی) و سمیر عبد محمد (معروف به حاجی بکر) نام برد. با پیوستن این نیرو های رزمی، تاکتیک و استراتژی نظامی گروه دولت اسلامی - تا سطح جنگ جبهه یی - ارتقا یافت. در نتیجه گروه دولت اسلامی توانست تا بخش های گسترده ای از ولایت الانبار در عراق و رقه در سوریه را تصرف نماید.

(3) **پشتیبانان سیاسی گروه "دولت اسلامی":** این گروه متشکل از کادرهای سیاسی حزب بعث است که گردانندگان اصلی چرخ های حکومت اقتدار گرای صدام حسین بودند. با فرو پاشی سازمان حزبی، برخی از کادر های بلند پایه ی حزب مورد پیگرد قرار گرفتند و برخی هم زندانی شدند. در نتیجه تعدادی قابل توجه آن ها به مقاومت پرداخته و با پشتیبانی از اعمال هراس افکنی، برحکومت پسا صدام فشار وارد نمودند تا از طریق "سهم گیری" در دولت امتیازات از دست رفته ی شان را دوباره کسب نمایند. پس از مبارزه متداوم در عقب جبهه، این گروه نیز - با وجود تفاوت های سیاسی و عقیدتی - رهبری گروه دولت اسلامی را پذیرفت و همردیف هراس افکنان قرار گرفت.

(4) **هواداران قبیله یی گروه "دولت اسلامی":** با درنظر داشت روابط ویژه تباری کردها و ترکمن ها، که عرب نیستند، سرزمین بین النهرین در آخرین تحلیل یک جامعه قومی عرب تبار می باشد. ولی با در نظر داشت شاخص "مذهب" - اگر مسیحیان و ایزدی ها را عجلتاً نادیده بگیریم - عراق به دو بخش سنی و شیعه تقسیم میگردد. با وجود وابستگی اکثریت عراقی ها به تشیع، حکومت اقتدار گرای صدام حسین با صبغه حاکمیت سنی ها مشخص میگردد. پس از فرو پاشی حکومت صدام حسین سکولار، حکومت های بعدی آن کشور نتوانستند که قبایل سنی مذهب را در روند نهادینه شدن دموکراسی به طور مناسب شریک سازند. در نتیجه بخشی از این قبایل سنی مذهب نیز در جهت کسب امتیازات از دست رفته شان به مبارزه نظامی پرداختند و قسماً آماده پذیرش شیوه های جنگی گروه دولت اسلامی گردیدند. از همین نگاه گروه دولت اسلامی توانست تا در بخش های غربی، یعنی سنی نشین عراق از پشتیبانی قبایل سنی بر خوردار گردد. در نتیجه بحران سیاسی عراق بیشتر صبغه مبارزه بین "تشیع و تسنن" را بخود گرفت. ولی کردها با وجود وابستگی شان به تسنن، در حکومت "شیعه محور" عراق نقش فعال بازی نمودند؛ از جمله پُست ریاست جمهوری آن کشور را اشغال نمودند.

(5) **مجاهدین ولگرد پشتیبانان تبلیغاتی:** نظر به تبلیغات گسترده سلفی ها در غرب، از مدت ها به این سو یک عده جوانان مسلمان زاده غرب نشین با کسب "هویت اسلامی نوع سلفی" در حریم مساجد در بند جهادی های متعرض گیر افتادند. در نتیجه تعداد زیادی ازین جوانان، که قسماً با بیکاری و دشواری های ناشی از عدم پذیرش هویتی در کشور های متوطن احساس بیگانگی می کردند، در خدمت بازیگران دولت اسلامی قرار گرفتند. در اینجا نخست "اجر آسمانی" که در صورت "شهید شدن" منتظر آنها می باشد - محتوای تبلیغات سلفی ها - در جذب شدن شان توسط جهادی ها نقش تعیین کننده بازی می نماید. در کنار آن "مزد زمینی" (در آمد بیش از 300 دالر در ماه با اضافه اعاشه و رابطه) نیز به نوبت خود برای برخی ازین جوانان پیکارجو مهم تلقی میگردد. درین میان تعداد

زیادی از دوهزار جوان مسلمانی که به مثابه "گوشت دم توپ" با گروه دولت اسلامی همسنگر شده اند، در کارزار جهاد کشته شدند.

بر اساس گزارشات اخیر سازمان اطلاعات ایالات متحده امریکا (سیا CIA) شمار شبه نظامیان گروه دولت اسلامی در بین 20 تا 30 هزار بر آورد شده است. قبلاً تعداد جنگجویان دولت اسلامی در حدود 10 تا 15 هزار تخمین می شد. ولی امروز تعداد شبه نظامیان دولت اسلامی در حدود 50 هزار نفر حدس زده می شود. این افزایش نتیجه جذب بیشتر شبه نظامیان، عضو گیری از نهاد های دیگر جهادی و در اخیر فعالیت بیشتر در عرصه نظامی می باشد. در جریان پیشروی در مناطق مختلف عراق و سوریه، نیرو های دولتی اکثراً فرار کردند. شبه نظامیان دولت اسلامی به تسلیحات و تجهیزات نظامی بیشتر دست یافتند.

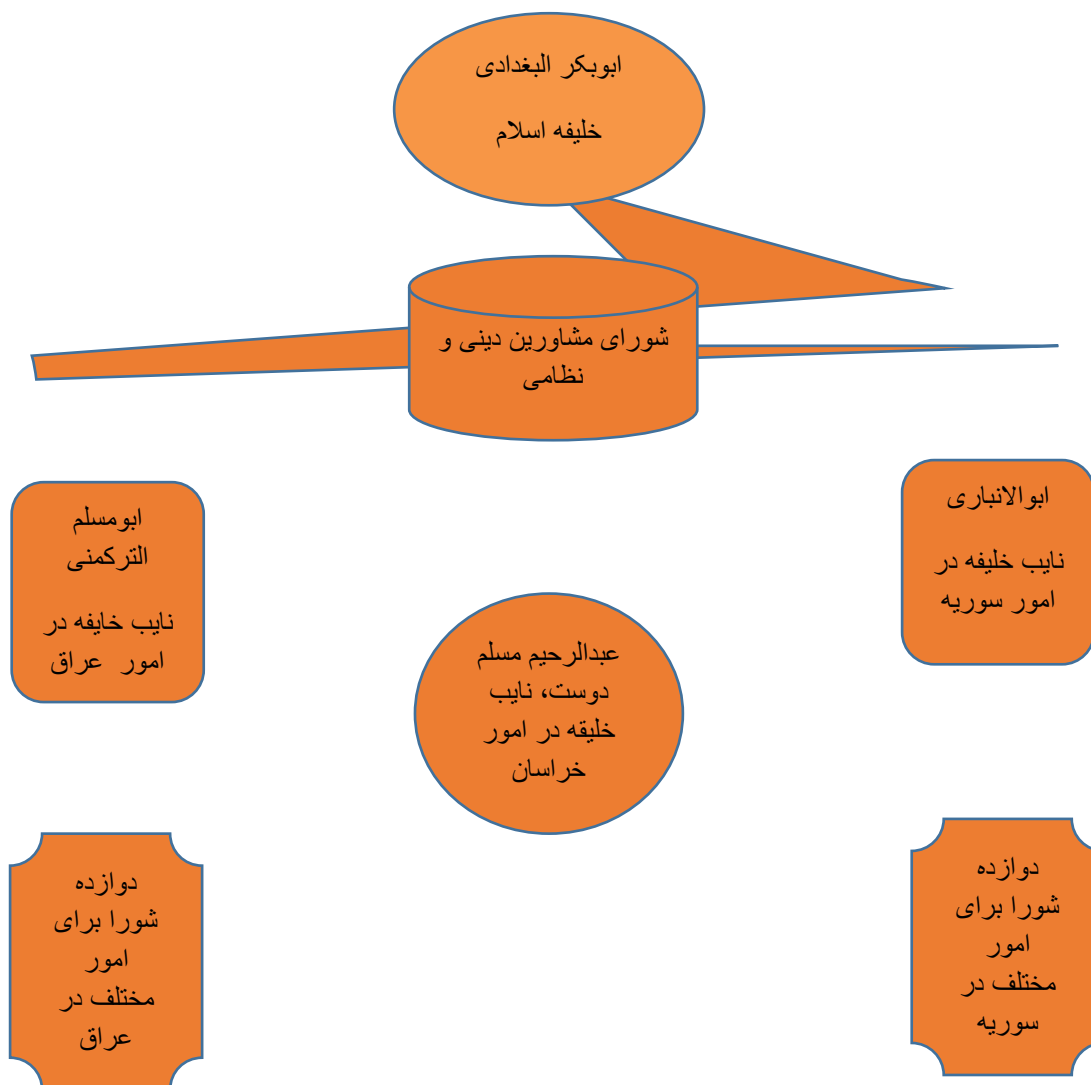
ساختار سیاسی "دولت اسلامی" بیانگر این نکته است که این گروه بیش از یک نهاد جهادی می باشد، با تشکیلات منظم به مثابه یک دولت، این گروه تلاش می کند تا در کنار جهاد، روابط بین خلیفه و امت را - به زعم عقیده سلفی - سر و سامان دهد. البغدادی در نقش خلیفه، دارای دو معاون می باشد، و شورای مشاورین (فقها و علما) به مثابه کمیته مرکزی خلیفه را همراهی میکند. در واقع همین کمیته فقها در تعیین سرنوشت سرزمین تحت تصرف خلیفه البغدادی، نقش رهبری و تعیین کننده را بازی می نماید. رهبری این شورا را "ابو ارکان الامیری" بدوش دارد. "ابوعلی الانباری" و "ابو مسلم الترکمنی"، دو تن از نظامیان حکومت صدام حسین هریک دوازده شورای جداگانه برای عراق و سوریه را رهبری می نمایند. مهمترین این شورا ها عبارت اند از:

شورای مالی، شورای قیادی، شورای نظامی، شورای عدلی، شورای امداد به مجاهدین، شورای امنیت، شورای استخبارات و شورای مطبوعات. با در نظر داشت اهمیت و نقش شورای نظامی، شورای عدلی و شورای تبلیغات، این نهاد ها به ترتیب توسط "ابو احمد العلوانی"، "ابو ارکان اللمیری" و "ابو محمد الانی"، کادر های عالی دولت اسلامی رهبری می شوند. (15)

در کنار عراق و سوریه، دو بخش اداری دولت اسلامی، اخیراً اداره امور بخش خراسان نیز تشکیل گردیده است. "ولایت الخراسان" کشور های پاکستان، افغانستان، ایران و جمهوری های آسیای مرکزی را دربر می گیرد. مولوی عبدالرحیم مسلم دوست، جهادی افغان تبار نایب خلیفه البغدادی در ولایت خراسان تعیین گردیده است.

یکی از علل مهم پیشروی های برق آسای گروه دولت اسلامی را بایست در توانایی های مالی آن سراغ نمود. گروه دولت اسلامی از بدو امر از تسهیلات مالی حکومت های عربی خلیج فارس، از جمله کویت، امارات متحده عرب، قطر و عربستان سعودی برخوردار بود. علاوه بر آن شیخ های متمدن و نهاد های خیریه آن کشور ها به نام کمک های بشری منابع فراوان مالی در اختیار این گروه گذاشته اند.

ساختار سیاسی دولت اسلامی



رویکرد: (16)

این کشورهای عربی خلیج در ظاهر امر با واشنگتن در مبارزه علیه دهشت افکنی در عراق همسویی دارند، ولی در

واقع و به ویژه با پیروی از استراتژی منطقوی خویش، جلوگیری گسترش نفوذ ایران در منطقه، از گروه های هراس افکن پشتیبانی مالی و تسلیحاتی کرده اند. علاوه بر امداد مالی کشور های تمامیت گرای عربی، گروه دولت اسلامی از درک فروش نفت از چاه های تحت تصرفش روزانه در حدود یک تا دو ملیون دالر امریکایی درآمد دارد. (17) پس از اشغال نظامی شهر موصل، مرکز اداری ولایت نینوا در شمال غرب عراق، دولت اسلامی از شبکه ولایتی بانک مرکزی آن کشور 420 ملیون دالر امریکایی به یغما برد. تخمین می شود که دولت اسلامی در حدود دو ملیارد دالر امریکایی برای هراس افکنی و تشکیل خلافت در اختیار داشته باشد. (18)

این توانایی های مالی زمینه ساز سرباز گیری بیشتر برای گروه دولت اسلامی گردیده است، و از طریق دفاتر خویش در کشور های عربی، حتی در ترکیه تعداد زیادی "جهادی های مزد بگیر" را جذب نموده است. هریک از این جهادی ها علاوه بر هزینه های اعاشه و اباطه، ماهانه در حدود سه صد دالر امریکایی مزد دنیوی اخذ می نمایند. هزینه مزد و معاش 50 هزار جنگجوی "دولت اسلامی" سالانه بالغ بر 15 ملیون دالر امریکایی می شود.